

تفسیر سوره حجرات

استاد قرائتی

جلسه سوم آیه ۳

آیه (۳)

إِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَىٰ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ عَظِيمٌ

همانا کسانی که نزد پیامبر (به خاطر ادب و احترام) صداهایشان را پایین می آورند، همانها کسانی هستند که خداوند دلهایشان را برای تقوی آزمایش کرد. آمرزش و پاداش بزرگ مخصوص آنها است.

نکته ها:

کلمه «غَضَّ» به معنای از بالا به پایین و کوتاه آمدن است و آهسته سخن گفتن، نشانه ادب، تواضع، وقار، آرامش و مهر و عشق است.

قرآن در این آیه می فرماید: خداوند دلهای افراد مؤدب را آزمایش می کند و ناگفته پیداست که آزمایش خداوند برای شناخت نیست، زیرا که او همه چیز را می داند، بلکه مراد از آزمایش آن است که انسان در برابر مسائل، از خود استعداد و عکس العملی بروز دهد تا لایق دریافت پاداش الهی بشود.

زیرا کيفر و پاداش خداوند بر اساس علم او نیست، بلکه بر اساس عملکرد انسان است یعنی اگر خدا علم دارد که فلان شخص در آینده خلاف خواهد کرد، او را کيفر نمی دهد، بلکه باید از او خلافي سرزند تا کيفر ببیند.

جالب آن که انسان نیز بر اساس دانسته ها به کسی مُزد نمی دهد، یعنی اگر علم داریم که این خياط لباس ما را می دوزد، به او مزد نمی دهيم، بلکه باید برای ما لباس بدوزد تا مزدی به او بدهيم.

بنابراین مراد از آزمایش و امتحان الهی در آیات و روایات، انجام و سرزدن عملی از انسان است تا پس از آن به کيفر یا پاداشی برسد. البته امتحان در اینجا مربوط به قلب است، زیرا چه بسیار افرادی ریاکارانه اظهار ادب و تواضع می کنند، ولی در درون متکبرند.

پاداش های الهی همیشه با صفات «کریم»، «عظیم»، «کبیر»، «غیر مَمْنُون» (پیوسته)، «نعم آجر» (خوب)، مطرح شده است و این به خاطر آن است که پاداش های خداوند، از سرچشمه رحمت و لطف بی نهایت اوست.

پیام ها:

۱ هم خلافاکار را توبیخ کنیم و هم در ستکار را تشویق در آیه قبل خلافاکارانی که در محضر پیامبر صلی الله علیه و آله بلند صحبت می کردند توبیخ شدند، این آیه و آیات بعد، افراد مؤدب را تشویق می کند. (إِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ...) آری، سرزنش و تشویق باید در کنار هم باشد.

۲ ادب ظاهری ، نشانه تقوای درونی است (الذین یغضّون امتحن الله قلوبهم للتقوی) (یعنی کسانی که صدای خود را پایین می آورند، دل‌های باتقوایی دارند)

۳ اکنون که در محضر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نیستیم ، باز مسئله ادب در زیارت مرقد حضرت و نسبت به جانشینان حضرت همچنان در جای خود باقی است.

۴ ادب های مقطعی و لحظه ای نشان دهنده عمق تقوی نیست (یغضّون اصواتهم) (فعل مضارع و نشانه استمرار و عمیق بودن است)

۵ در قرآن هر جا کلمه «مغفرت» و «اجر» آمده ، اوّل سخن از مغفرت است زیرا تا از گناه پاک نشویم ، نمی توانیم الطاف الهی را دریافت کنیم (لهم مغفرة و اجر عظیم)

ادب در گفتگو

اکنون که این آیه از آداب گفت و گو با رسول الله سخن می گوید، ما نیز کمی درباره دستوراتی که اسلام برای سخن گفتن دارد، اشاره کنیم:

۱ گفتار باید همراه با کردار باشد و گرنه قابل سرزنش است (لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ) (۶۵)

۲ گفتار باید همراه باتحقیق باشد. (هدهد به سلیمان علیه‌السلام گفت : خبری قطعی و تحقیق شده آورده ام) (بِنَاءِ یَقِین) (۶۶)

۳ گفتار بایستی دل پسند باشد. (الطَّيِّبُ مِنَ الْقَوْلِ) (۶۷)

۴ گفتار باید رسا و شفاف باشد. (قَوْلًا بَلِیغًا) (۶۸)

۵ گفتار باید نرم باشد. (قَوْلًا لَّیِّنًا) (۶۹)

۶ گفتار باید بزرگووارانه باشد. (قَوْلًا کَرِیْمًا) (۷۰)

۷ گفتار باید قابل عمل باشد. (قَوْلًا مَّیْسُورًا) (۷۱)

۸ با همه اقشار خوب سخن بگوییم ، نه تنها با افراد و گروه های خاص (قولوا للناس حسناً) (۷۲)

۹ در گفتار بهترین مطلب و شیوه را انتخاب کنیم (يقولوا أَلَّتْیَ هِیَ أَحْسَنُ) (۷۳)

۱۰ در گفتار هیچ گونه لغو و باطلی در کار نباشد. (اجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ) (۷۴) و (عن اللغو معرضون) (۷۵)

نمونه ها

چون این آیه از افراد با ادبی که نزد رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله صدای خود را پایین آورده اند ستایش کرده و برای آنان مغفرت و اجر بزرگ مقرر کرده است ، به دو نمونه از ادب و بی ادبی که در قرآن آمده است اشاره می کنیم:

۱ همین که حضرت آدم و همسرش بر خلاف نهی الهی از درخت ممنوعه خوردند و مورد توبیخ قرار گرفتند، شرمنده شده و توبه و عذرخواهی کردند، خداوند نیز توبه آنان را پذیرفت این عذرخواهی یک ادب بود که آدم و همسرش را نجات داد.

در کربلا حُر نیز نسبت به امام حسین علیه السلام ادب کرد و با اینکه ابتدا از طرفداران یزید بود، ولی در نماز جماعت به امام حسین علیه السلام اقتدا کرد و گفت: چون مادر تو زهرا علیها السلام می باشد، من به تو احترام می گذارم! شاید همین ادب، سبب خوش عاقبتی او شده باشد.

۲ ابلیس به آدم سجده نکرد و مورد سرزنش قرار گرفت، او به جای عذرخواهی و توبه، بی ادبی کرد و گفت: من نباید به او سجده کنم، نژاد من از آتش و بر نژاد خاکی برتری دارد. او در حقیقت فرمان خدا را نابجا پنداشت و به خاطر همین بی ادبی، برای همیشه مورد لعنت همه قرار گرفت.

امتیاز پاداش های الهی

پاداش های مردم، کوتاه مدّت، کوچک، سطحی، همراه با منّت و سایر آفات است بگذریم که غیر خداوند (همسر، فرزند، شریک، دوست، حکومت و دیگران) بسیاری از کارهای ما را نمی دانند تا اجری دهند. گاهی به خاطر حسادت می دانند، ولی نادیده می گیرند، گاهی به خاطر بخل پاداش نمی دهند و گاهی نیز به خاطر ناتوانی، چیزی ندارند تا پاداش دهند.

غیر خدا هر کس که باشد، کارهای کم و معیوب را از انسان نمی پذیرد، بگذریم که پاداش های مردمی در یک کف زدن، سوت کشیدن، صلوات فرستادن و... خلاصه می شود.

اما خداوند هم کار کم را می پذیرد؛ (فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ) هم کار معیوب را؛ چنانکه در دعای تعقیبات نماز می خوانیم: پروردگارا! اگر در رکوع و سجود نماز من نقصی بود، نمازم را با همان نقص ها پذیرا باش!

خداوند عیب ها را می پوشاند و خوبی ها را نشان می دهد. «يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَ سَتَرَ الْقَبِيحَ»

خداوند به بهشت جاودان می خرد و دیگران کار ما را به احساسات زود گذر.